

...والتعالیٰ ...
...الذکر ...
...سید عبدالکریم موسوی ...

پیدایش دین

فاقم وجهک للدين حنيفاً فطرت الله
التي فطر الناس عليها لا تبديل لخلق
الله ذلك الدين القيم ولكن اكثر الناس
لا يعلمون قرآن سورة روم آیه ۳۰-

در مقاله گذشته درباره ماهیت دین بعد کافی روشن شده ایم اکنون میتوانیم
پیدایش دین را مورد بررسی قرار دهیم .
اگر بخواهیم از مهمترین مسائل حیاتی و بزرگترین ارزشهای اجتماعی نام
ببریم ؛ مسام همان دین خواهد بود . دین همیشه در زندگی انسانها از نیرومند ترین
عوامل سعادت بشمار میرفته و ریشه های عمیق آن در زندگی بشر از قدیمترین
دوران تاریخ به چشم میخورد ؛ میدان سلطه و نفوذ آن به یک ملت معین و طبقه خاصی
اختصاص نداشته و ندارد . همانطوری که بر دل کارگر و در نجبر حکومت میکند ، معزز
و افکار کارفرما و ارباب راهم تسخیر مینماید .
چنانچه طبقه یسواد و جاهل از آشفتگی درونی و پریشانی خاطر بقلعه محکم دین

پناه میبرند. و تنها روزنه امید و مایه تسکین دل آنها دین است. دانشمندان و فلاسفه هم پس از همه کازشهای علمی و بحثها و تحقیقها برای دفع تشنگی روح دست بدامن دین زده و از این سرچشمه سیراب میگردند.

علی رغم اشخاصی که در صفت قابل قرار گرفته و افکار ضد دینی دارند، تحولات زندگی و جنبشهای علمی و پیشرفت روز افزون جهان صنعت را ضربه های شکننده بر پیکر دین پنداشته و در خیال خود فاتحه دین را خوانده اند، دین هنوز با تمام نیرو مشغول تسخیر دل مردم است و واسطه و نفوذ بی مانند خود را در روح و فکر بشر حفظ کرده است، گویانکه در جامعه های امروز حکومت، حکومت دین نیست ولی نباید فراموش کرد بیشتر ملت های جهان بارز دین سودمند بودن تعلیمات آموزنده آن ایمان کامل دارند.

در باره منشأ دین و علل پیدایش آن در علوم مختلف از قبیل روان شناسی جامعه شناسی، تئولوژی (علم کلام) فلسفه الهی بحثهای مفصلی شده و دانشمندان شرق و غرب عقایدی اظهار نموده اند بعضیها مانند «تایلور» و همفکرانش حس دینی را محصول جهل و واهمه و خیال دانسته میگویند: همچنانکه بچه ها پیش از آنکه بحدشدهی فکری برسند، میز و در و دیوار را زنده میندازند و آنها را میزنند و بمقام انتقام جومی از آنها بر میآیند، بشر اولیه نیز در نتیجه جهل و نادانی ستاره ها را باد و آب و خاک و آتش را زنده مینداشته و آنها در نظرش بشکل دیو و فرشته یا موجودات خیرخواه و بدخواه جلوه میکردند و برای ارضاء و جلب توجه آنها بنماز و دعا و قربانی مشغول میشده است و کم کم همین خیال و واهمه بشکل ادیان امروزی در آمده است هر کسی میداند مسئله ای که این قدرنی بایه دست باشد هیچگاه نمیتواند در مدت نسبتاً زیادی خود را حفظ کند تا چه رسد باینکه در طول تاریخ بشریت با همه موفقیتهای علمی و رشد فکری همچنان در قوت و اعتبار خود باقی باشد. راستی

میشود باور کرد بشریکه نیروی اتم را در دل اجسام کشف کرده و بوسیله سفینه فضائی و موشک بفکر تسخیر کرات برآمده است هنوز مقهور فکر و منطقی باشد که پایه اش بجهل و خیال و راهمه آنهم جهل و خیالیکه بانازلترین مراتب شعور دستگی دارد، استوار باشد.

گروه دیگر از متفکرین که «اسپنسر» هم از جمله آنهاست میگویند انسانها همیکه در دوران بسیار قدیم زندگی میکردند و پدران و اجدادشان را پس از مرگ در خواب میدیدند، برای آنها یک نوع حیوة معنوی و روحانی قابل بودند و خوشبختی و بدبختی خود را بسته به خوشنودی و قهر آنان میدانستند و میکوشیدند آنان را از خود راضی نگه دارند لذا قدیمترین عبادت و پرستش در بین بشر، پرستش مردگان بوده است چنانکه در آثار مصری ها و چینهای قدیم بخوبی دیده میشود. همین حس حرمت و تقدیس مردگان منشأ پیدایش دین شده است.

خوانندگان میدانند که این عقیده هم در پی پایه گی و سستی دست کم از اولی ندارد مگر بشر اولیه غیر از پدران و اجداد خود کس دیگر و چیز دیگر را در خواب نمی دید چطور شد از میان آنها پدران خود را انتخاب کرد. و گذشته از این بچه علت عوض اینکه آنها را محتاج خود بدانند خود را محتاج آنها دید، و اصلا چرا این فکر بمغزش رسید که باید آن موجودات روحانی سلطه باین جهان داشته باشند. ها که باور نمیکنیم که صاحبان این عقیده بتوانند حتی وجدان خودشان را با این افسانه ها قانع کنند.

از جمله کسانی که لازم دانسته اند مسئله پیدایش دین را طرح کرده و آنرا توجیه مادی کنند پروان مکتب «ماتریالیسم دیالکتیک» هستند که به عقیده خودشان مترقی ترین مکتبهای مادیت میباشد، این گروه بیش از دیگران کوشش کرده اند که پیدایش دین را طوری تعلیل کنند که وانمود شود دین محصول جهل و نادانی بشر بوده است. و با

علم و دانش بهیچ وجه سازگار نیست. ضمناً خواسته‌اند ثابت کنند دین بهترین وسیله ظلم و ستم و حق‌کشی طبقه سرمایه‌دار نسبت بزیردستان می‌باشد.

ولی هر چه کوشش کرده‌اند نتوانسته‌اند بگفته خودشان حتی صورت مغالطه خوبی هم بدهند مثلاً گاهی بنا بگفته «دکتر ازانی» در «پسیکو لوزی عمومی» و «پ. رویان» در «ماتریالیسم تاریخی» مذهب را زائیده جهل و ترس بشر میدانند و میگویند بشر در نتیجه نادانی بقوانین طبیعی و عدم اطلاع نسبت بمحیط و نداشتن وسائل کافی مدافعه در مقابل حوادث طبیعی خود را مقهور و زبون میدیده و ناچار دنبال پناهی می‌گشته است که بوسیله پرستش دل‌آرام کند، و با کمک او بمشکلات فائق آید.

این دوره دوره خدایان متعدد بوده است ولی هر چه علم پیشرفت کرده و قوانین مجهول شناخته شده است مرتباً از تعداد خدایان کاسته گشته و در این تحولات نقش مؤثر تولید و ابزار تولید را نباید نادیده گرفت!

و گاهی دین را یک نوع تمدن روحی میدانند و میگویند دین نتیجه دوران بردگی و شکست انقلابهای دسته‌جمعی آنهاست. و در جای دیگر دین را ساخته دست سرمایه‌دار بمنظور منکوب ساختن زیردستان می‌شمارند و مطالعات فرنگی

گذشته از اینکه با تمام این سفسطه‌ها پیران این مکتب نتوانسته‌اند حق را نادیده بگیرند و با این حرف‌ها دل خود را شاد کنند، مجبور شده اند اعتراف کنند که مسئله پیدایش دین با این گفته‌ها حل نمیشود.

«پ. رویان» میگوید: «دسولامذاهب بعلم فاصله عمیقی که از علل مادی و وجودی خود گرفته‌اند وضعیت پیچیده و بفرنج اتخاذ کرده‌اند» و ازانی هم صریحاً گفته است که مذهب یکی از تجلیات مهم روحی است که ظاهر شده است.

اگر از اینان به پرسند چه دلیلی برای گفته خود دارید چه جواب خواهند داد و اگر سؤال شود بشر که از ترس طوفان و باد و رعد و برق فرار میکرد چرا برای خود یک

منشأ ترس بزرگتری درست کرد چه پاسخ دارد یا اگر این گفته را با تاریخ ظهور مذاهب تطبیق دهند در کجای تاریخ میتوان برای آن نمونه‌ای پیدا کرد. مثلاً اگر ظهور اسلام را در نظر بگیریم کدام پیشرفت علمی و برتری داش اعراب بود که ایجاب میکرد در محیط عربستان که مردم هنوز در مقابل هر سنگ و گلی بخاک مذلت افتاده و آنرا برستش میکردند چنین مذهب مرقی که دعوت بتوحید و یگانه پرستی میکند و لطیفترین و عالیترین معانی توحید را میآموزد ظهور کند؛ در صورتیکه هتمدن ترین کشورهای رومی زمین آن روز در گمراهی شرك و بت پرستی بسر میبردند و در روم بر سر پدر و مادر خدا جنگ بود اگر منشأ پیدایش دین شکست برده‌ها و نومیدی آنها از پیروزی است، پس باید مذهب از میان برده‌ها ظهور کند و درین همان طبقه شیوع داشته باشد در صورتیکه پیغمبر اسلام از مهمترین و بزرگترین خاندان عرب برخاسته است. و دومین کسی که با او گردید خدیجه بود که از نزدیکترین افراد آن محیط بشمار میرفت، و اگر مذهب بمنظور حفظ منابع سرمایه‌داران و منکوب ساختن طبقه زیر دست است پس چرا همین طبقه با آن مبارزه میکنند مگر اشراف قریش نبودند که در مخالفت پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله پیش قدم بودند و در راه مبارزه با او از هیچ جنایت و وحشیگری خودداری نمیکردند چون موقعیت اجتماعی و شخصیت و منافع مادی خود را در خطر میدیدند، اینها نمونه‌ای از حرفهای زیادی است که درباره پیدایش دین گفته شده است.

گفته قرآن

و اما نظریه قرآن که در این باره جامعترین و قدیمترین نظریه‌هاست و بخوبی با واقعیت دین تطبیق میکند، در ضمن يك آیه کوتاه بیان شده است خداوند در سوره روم آیه ۳۰ میفرماید: «فانقم وجهك للدين حنيفا فطرت الله التي فطر الناس عليها لا تبديل لخلق الله ذلك الدين القيم ولكن اكثر الناس لا يعلمون» (و آرد بآئین حنیف دینیکه خدا سرشت مردم بآن آفرید تغییر در آفرینش خدا نیست اینست دین خلل

ناپذیر و لکن بیشتر مردم نمیدانند (از این آیه استفاده میشود که دین مطابق سرشت و فطرت بشر است و یکی از غرائز انسانیست .

چنانچه محبت اولاد، عشق بکمال ، ترس از ناملایمات ، غریزه جنسی و ... غرائزی هستند که در نهاد بشر ودیعه گذاشته شده اند و سرشت و طبیعت انسان آمیخته باین غرائز است و بهمین دلیل بچه انسان هر چه زشت و بدقیافه باشد پدر و مادرش علاقه باو پیدا میکنند ، با عشق میورزند و در راه حفظ و تربیت او ناملایمات را بخود میخورند و همچنین است تأثیر غرائز دیگر .

حس دینی هم یکی از عالیترین غرائز بشریست که از روز اول با او بوده و تا انجام هم با او خواهد بود . انسان بحکم این غریزه در مقابل آن قدرت مطلق که بهم موجودات و پدیده های جهان هستی حکومت میکند . و این کارگاه هستی با همه عظمتش در کف قدرت اوست خاضع و تسلیم است در مشکلات زندگی ، از او کمک میخواهد و در گرفتاریها و ناملایمات با او پناه میبرد .

انسان حس میکند که در ماوراء این آسمان نیلگون . و زمین پهناور ، و آفتاب درخشان ، و ماه فروزان . و ستارگان زیبا و اقیانوسهای نیکران و کوههای با عظمت و ... يك حقیقت مطلق نرفته است که همه این عظمتها و نظرها و زیباییها از کمال بی منتهای او حکایت میکنند و خود را در پناه آن کانون عدالت و مهر و قدرت می بینند .

بجهان خرم از آنم که جهان خرم از اوست عاشقم بر همه عالم که همه عالم از اوست
باید توجه داشت گاهی در نتیجه عوامل خارجی این نیروی خدائی ضعیف میگردد و این چراغیکه در نهاد بشر روشن است کم فروغ میشود ولی در مواقع حساس باز بکشمش
میشتابد میگوید مردیکه مدعی بود حاضر است بر این قوی ثابت کند که خدا و خدا پرستی
دستگاه دین از موهوماتست ولی همین که احساس خطر نمود و دور نمای مرگ و نابودی

بسرعت باونزدیک میشد ورشته‌های آمال و آرزوهای اورامیبرید ، ازبلندبروازیها
ومستی مقام وجاه بهوش آمده می گفت .

ماهمه شیران ولی شیرعلم
حمله‌مان پیدا وناپیداست باد . جان فدای آنکه ناپیداست باد

فطری بودن حس دینی اخیرآدرنوشته‌ها و گفته‌ها ازبادبچشم میخوردحتی ازطرف
بعض نوبسندگان و متفکرین غرب بعنوان يك عقیده وراى اظهار شده است ولی تا
آنجاکه ماسراغ داریم پیش ازقرآن کسی باین حقیقت متوجه نبوده وقرآن است که برای
اولین دفعه برده ازروی این حقیقت برداشته وبشر را بیکی از عالیترین غرائزش که
مدتهای مدید از اوغفلت داشت متوجه ساخته است .



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

تدریس و تالیف در زمینه‌های مختلف علوم انسانی و اسلامی
موسسه تخصصی علوم انسانی و اسلامی

موسسه تخصصی علوم انسانی و اسلامی
موسسه تخصصی علوم انسانی و اسلامی

موسسه تخصصی علوم انسانی و اسلامی
موسسه تخصصی علوم انسانی و اسلامی

موسسه تخصصی علوم انسانی و اسلامی
موسسه تخصصی علوم انسانی و اسلامی